

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Evolution of the Urban Landscape of Hamedān in the First Pahlavi Era;
Impact of Piercing Streets on its City Center
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تحولات منظر شهری همدان در دوره پهلوی اول؛ تأثیر خیابان‌های نفوذی بر مرکز شهر همدان

فرشاد بهرامی^۱، محمد آتشین‌بار^{۲*}

۱. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. پست دکتری مطالعات منظر شهر اسلامی، مدرسه کاربردی عالی پاریس، فرانسه.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۴ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۲ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: شهر همدان با سابقه تاریخی پیش از اسلام، تا دوره پهلوی اول از منظر سنتی غنی برخوردار بود. «کارل فریش»، مهندس آلمانی، با ایده احداث خیابان‌های نفوذی تغییری بزرگ در منظر شهری همدان ایجاد کرد. احداث میدانی وسیع در تقاطع شش خیابان نفوذی با فواصل مساوی، پدیدآورنده نقطه عطفی مؤثر در منظر شهری همدان بود. این طرح که به تقلید از جریان معماری و شهرسازی قرن ۱۹ شهرهای اروپایی به عنوان نماد اقتدار و تجدد ساخته شد، شبیه یک چرخ‌دنده صنعتی بود که از میان بافت تاریخی، مرکز و بازار همدان می‌گذشت. مداخله کارل فریش به لحاظ شکلی با آنچه از گذشته در منظر شهر همدان تداوم داشت هماهنگ نبود؛ حجم ساخت‌وساز نیز به اندازه‌ای بود که در نگاه کلی به نقشه شهر به نظر می‌رسید سیمای شهری همدان به صورت اساسی دگرگون شده باشد.

هدف: این پژوهش با مبنا قراردادن رویکرد سیستمی در تحلیل منظر شهری، تأثیر احداث خیابان‌های نفوذی، به مثابه یک اقدام اقتداگرایانه از طرف مدیریت شهری بر منظر شهری همدان را در دوره پهلوی اول تحلیل می‌کند.

روش تحقیق: پژوهش حاضر یک مطالعه تاریخی-تحلیلی است که با استنباط از داده‌های سازمان فضایی، به تفسیر منظر شهری همدان خواهد پرداخت.

نتایج پژوهش: تغییرات گسترده سیمای شهر در دوره پهلوی اول از طریق احداث خیابان‌های نفوذی در شهرهای بزرگ همچون تهران، مشهد و رشت این نظریه را تقویت می‌کند که تغییر ساختار شهر می‌تواند به تحول منظر شهری بیانجامد. اما این اقدام در همدان غیر از تغییرات کالبدی در معماری خیابان و ایجاد نظام دسترسی جدید، تغییر جدی در منظر شهر ایجاد نکرده و دلیل اصلی این عدم تغییر، تداوم تشخص مرکز بعد از مداخلات گسترده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری؛ سازمان فضایی؛ خیابان نفوذی؛ مرکز شهر؛ همدان.

مقدمه و بیان مسئله

به دوره مادها باز می‌گردد؛ در سال ۷۱۲ ق.م دیاکو موفق به اتحاد قبایل مادی شد و هگمتانه را به عنوان حاکم‌نشین مادها انتخاب کرد و به نوعی هسته اولیه شهر همدان را بنیاد نهاد (همتی ازندریانی و خاکسار، ۱۳۹۲). در دوره

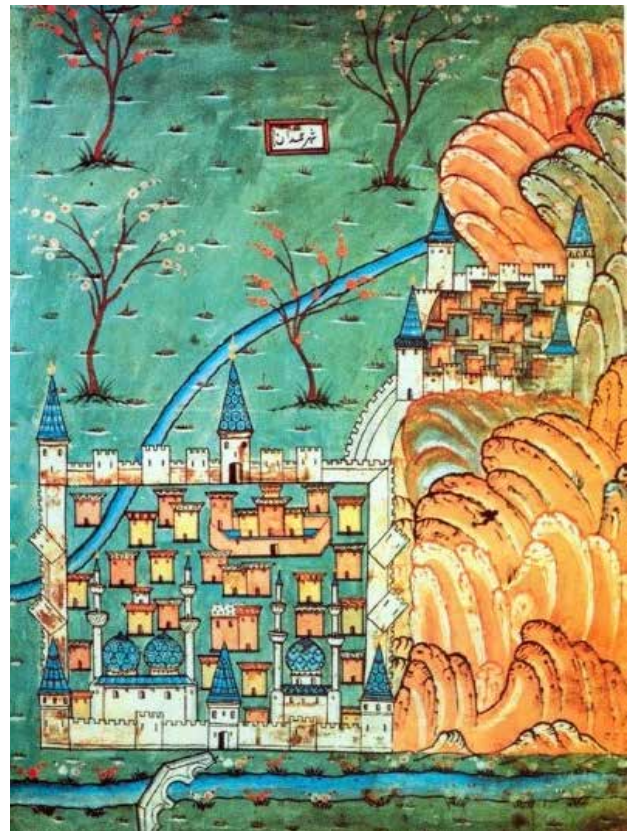
همدان از شهرهای باستانی جهان است که شکل‌گیری آن

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۹۷۹۸۲۶ atashinbar@ut.ac.ir

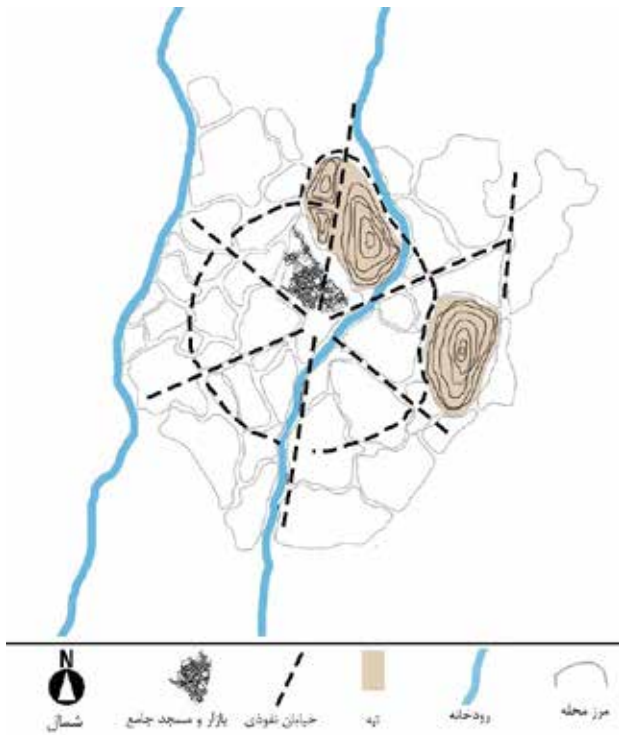
دوره اسلامی ایران، که تداوم و اصلاح شیوه‌های معماری پیش از اسلام است، شهر ایرانی قبل و بعد از اسلام دو دوره کاملاً متمایز دارد؛ علت آن تفاوت سازمان فضایی آن‌هاست» (منصوری، ۱۳۸۶، ۵۱).

در دوره پهلوی اول با تصویب اولین قانون مدیریت شهری به نام «احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها» در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۱۲ در مجلس شورای ملی، تغییر سیمای کالبدی شهر با احداث اولین نمونه از خیابان‌های نفوذی^۳ در همدان آغاز شد. تفکرات تجددطلبانه پهلوی اول، در طرحی از یک گروه آلمانی با حضور، «گرهارد رودبگ»^۴، «گرانه لر»^۵، «استولباخ»^۶ با کمک مهندس ایرانی به نام سیف‌الله خان سلیمانی و «ولادیمیر چارولیف»^۷ - مهندس روسی - به سرپرستی «کارل فریش»^۸ با احداث شش خیابان نفوذی به ظهور رسید؛ احداث خیابان شورین (شهدا)، داریوش (شریعتی) و بوعلی در سال‌های ۱۳۱۲، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ آغاز شد و در اواخر دهه ۲۰ تمام شد. خیابان‌های باباطاهر، اکباتان و تختی نیز در دهه ۳۰ ساخته شدند (ایزدی و شریفی، ۱۳۹۴، ۱۷). در تقاطع این خیابان‌ها، به فاصله کمی در جنوب مسجد و بازار، میدان امام (پهلوی سابق) پدید آمد (Karami; Fakhrayee & Karami, 2015, 35) که شواهد مختلف حاکی از نقش‌آفرینی آن در تداوم مرکز قدیمی شهر (بازار و مسجد) به مرکز جدید شهر همدان است (تصویر ۲). تجربه ایجاد خیابان‌های نفوذی که از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر منظر شهری هستند (آتشین‌بار، ۱۳۹۴، ۵۴) و نیز خاستگاه سنت‌شکنانه پهلوی اول، این پرسش را طرح می‌کند که تحولات ناشی از احداث شش خیابان نفوذی طولانی که بافت سنتی شهر را بریده‌اند و یک میدان به مثابه مرکز مدرن شهر ساخته‌اند بر کیفیت منظر شهری همدان چگونه بوده است. بسیاری معتقدند طرح کارل فریش، بافت قدیمی شهر همدان را نابود کرد و مرکز قدیمی شهر را از بین برد (Ibid)، همچنین عده‌ای از نظریه‌پردازان طرح کارل فریش را باعث از بین رفتن ساختار بازار و کارکرد اصلی آن می‌دانند (Nejad & Ebrahimi, 2018). در حاشیه بررسی تأثیر اقدامات خیابان‌کشی بر منظر شهر، نارضایتی مردم از تخریب خانه‌هایشان علیه احداث طرح تجددطلبانه نیز قابل توجه است: «دولت جلیله اول حفظ ناموس ملت بنماید بعد به تزئین و توسعه شهر پردازد» (صفری، شیخ نوری و یوسفی، ۱۳۹۳، ۴۳ به نقل از کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران)، یا عریضه دیگری، نقشه ترسیم‌شده را غیرعملی می‌داند که «جز بر باد دادن خانمان یک مشت بیچاره نتیجه نخواهد داشت» (همان، ۵۰). همچنین در خبر روزنامه اطلاعات از همدان، به تغییر پی در پی نقشه شهر اشاره شده است: «قریب یک

اسلامی پس از فتح شهر، سپاه فاتح در محل سکونت مردم مستقر نشد بلکه با تخریب دیوار شهر، گسترش شهر قدیمی و ساخت مسجد جامع و بازار، محل سکونت جدید برای خود ایجاد کرد (لسترنج، ۱۳۶۴، ۲۱۰). تاریخ مسجد جامع به سده اول باز می‌گردد و بازار در قرن چهارم هجری از سه راسته تشکیل شده بود که مسجد جامع در میان آن‌ها قرار داشت. بازار همدان در دوره صفوی رونق قابل توجهی یافت و در دوره قاجار ده‌ها کاروانسرا در پیرامون آن شکل گرفت (تصویر ۱) به طوری که «لرد کرزن»^۱ و «هوگو گروته»^۲ در سفرنامه خود از آن‌ها یاد کرده‌اند (زارعی، ۱۳۹۰، ۷۴-۵۵). با تغییر مرکز شهر همدان از تپه هگمتانه به محدوده مسجد جامع و بازار، نخستین دگرگونی سازمانی در منظر شهری همدان و نمودهای آن از دوره باستان به دوره اسلامی را شاهد هستیم. این امر را می‌توان در اغلب شهرهای ایرانی در دوره اسلامی مشاهده نمود. «منصوری» علت این تفاوت را در دگرگونی اندیشه اجتماعی و به دنبال آن تغییر سازمان فضایی شهر می‌داند: «سازمان فضایی شهر ایرانی در قبل و بعد از اسلام، دو ماهیت متباین داشته است. برخلاف معماری



تصویر ۱. دروازه از نمادهای اصلی منظر شهری در دوره‌های تاریخی است که امتداد آن‌ها به ساختار اصلی و مرکز می‌رسد. به استناد نقاشی مطراق چی، همدان در دوره صفوی دارای چهار دروازه بود. که دوره قاجار به ده دروازه افزایش یافت (مطراق چی، ۱۳۷۹، ۹۹).



تصویر ۲. طرح کارل فریش برای احداث شش خیابان نفوذی و مرکز جدید شهر، تاحدودی منطبق بر ساختار قدیمی شهر بوده است؛ بدین صورت که برخی از خیابان‌های نفوذی در مرز بین محلات قرار می‌گرفتند و برعکس کانسپت خیابان نفوذی، همه آن‌ها بافت سنتی همدان را تکه تکه نکردند. مقایسه نقشه محلات دوره قاجار و نقشه کارل فریش در شهر همدان. مأخذ: برگرفته از اذکایی (۱۳۸۰)؛ لسترنج (۱۳۶۴)؛ و زارعی (۱۳۹۰). ترسیم و بازنگری در نقشه‌ها: نگارندگان.

همدان را تحلیل کرده‌اند در دو گروه کلی طبقه‌بندی می‌شود: نخست، پژوهش‌هایی که از زاویه مفهومی با اتکا به منابع، اسناد و مدارک تاریخی، ساختار شهر همدان را قبل و بعد از احداث طرح کارل فریش با هم مقایسه کرده‌اند؛ نتیجه غالب این پژوهش‌ها تأثیر منفی خیابان‌های نفوذی بر ساختار شهر همدان بوده است (زارعی، ۱۳۹۰؛ رحیمیون، ۱۳۹۵؛ اذکایی، ۱۳۸۰). دوم پژوهش‌هایی که در قالب نرم‌افزارهای تکنیکی، همچون «اسپیس سینتکس» ساختار و هم‌پیوندی شهر در دوره قبل و بعد از خیابان‌های نفوذی را بررسی کرده‌اند؛ نتیجه این پژوهش‌ها، طرح را در مقیاس کلان و ترافیکی، همگون با شهر می‌بیند ولی در مقیاس خرد مثل هم‌پیوندی با بازار، طرح کارل فریش را ضعیف ارزیابی کرده است (ایزدی و شریفی، ۱۳۹۴؛ Varmazyar & Sajadzadeh, 2014).

تعاریف و چارچوب نظری • منظر و سیمای شهری

این دو واژه در ادبیات محققان فارسی‌زبان غالباً به صورت مترادف به کار برده می‌شود ولی از نگاه دانش تخصصی کاملاً با یکدیگر متفاوتند. سیما، وجه کالبدی شهر است که مستقیماً

سال‌های مأمورین بلدیة همدان، بعد از تصویب و صدور اجازه احداث یک خیابان بزرگ در شهر همدان مشغول نقشه‌کشی و نصب بیدقهای قرمز بالای بام‌ها می‌باشند... ولی پس از چندی معلوم نشد به چه علت نقشه تغییر کرده و بیدقهای قرمز از بام‌های سابق کنده شده روی بام‌های دیگر قرار گرفت، باز به فاصله دو روز نقشه تغییر کرده بیدقها به بام‌های دیگر نصب گردید و اینک تأسیس خیابانی را در نظر گرفته اند که به هیچ وجه متناسب با وضعیت شهر همدان نیست» (فندرسکی، ۱۳۵۷).

پرسش پژوهش

تغییر مرکز شهر تاریخی همدان از مسجد جامع به میدان بزرگ (میدان امام خمینی)، چه تأثیری بر منظر شهری و سازمان فضایی شهر داشته است؟

فرضیه

حفظ مرکز به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه شهر، به حفظ کیفیت زندگی و منظر شهری منجر می‌شود. در شهر همدان، احداث خیابان‌های نفوذی و میدان مرکزی در تقاطع آن‌ها، نه تنها سازمان فضایی را تغییر نداده، بلکه با ایجاد یک عرصه وسیع در کنار مسجد و بازار، به مثابه مرکز قدیمی شهر، به ارتقا کیفیت آن منجر شده است. مرکز جدید شهر، ترکیبی از میدان امام (پهلوی سابق) مسجد جامع و بازار است.

روش تحقیق

این پژوهش، یک تحقیق تاریخی-تحلیلی است که در آن، در چارچوب بررسی سیستمی شهر و سازمان فضایی با استناد به مفهوم مرکز و معیارهای شکل‌دهنده آن، تغییرات مرکز به مثابه مهم‌ترین مؤلفه منظر شهری بررسی شده است. جمع‌آوری داده‌های پژوهش از دو طریق بازدید میدانی و مراجعه به اسناد و نقشه‌های تاریخی صورت گرفته است. ابتدا با تحلیل داده‌های تاریخی، تحولات مرکز شهر بررسی و پس از آن در بازدیدهای میدانی انطباق معیارهای مرکز قدیم شهر بر مرکز جدید ارزیابی شد. همچنین نقشه‌های دو دوره تاریخی قبل از تغییرات در اواخر قاجار و بعد از احداث میدان و خیابان‌های شش‌گانه در دوره پهلوی اول، برای شناخت و تشخیص معیارهای مرکز شهر توسط نگارندگان تهیه و مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفت؛ در انتها با استنباط از داده‌های بخشی سازمان فضایی، اهمیت و ارتباط مرکز سنتی و جدید شهر همدان در منظر شهری ارزیابی شد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که شش خیابان نفوذی و میدان جدید شهر

درباره فیزیک شهر صحبت می‌کند، درحالی‌که منظر، تفسیر مخاطب از ماهیت فیزیکی شهر است (منصوری، ۱۳۸۶). در این پژوهش، روشن است که مداخله کارل فریش، تأثیرات کالبدی بزرگی در ناحیه تاریخی شهر ایجاد کرده است، اما آنچه اهمیت دارد ارزیابی آن بر منظر شهر بوده که موضوع این مقاله قرار گرفته است.

• سازمان فضایی شهر

در چارچوب نظریه سیستمی، شهر دارای نظامی هدفمند است که اجزا و ارکان آن را با نقش‌های متفاوت و معین در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. در این نگاه، تغییرات اجزای شهر را نمی‌توان به طور مستقل مورد بررسی قرار داد و علاوه بر تغییرات فیزیکی در هر یک از اندام‌های شهر، دگرگونی‌های روابط آن با اندام‌های دیگر و همچنین کارکرد و فهم مخاطب از آن نیز در ارزیابی تغییرات نقش‌آفرین است. شهر ایرانی به مثابه یک نمونه تاریخی از سنت شهرسازی جهان دارای نظام خاص خود است که مهم‌ترین اندام‌های آن مرکز، ساختار، قلمرو (لبه) و کل‌های کوچک (محلات) معرفی شده است (منصوری و دیزانی، ۱۳۹۵؛ منصوری، ۱۳۹۲). مرکز، مهم‌ترین مؤلفه ادراک مخاطب از شهر بوده و حفظ شهر در گروی حفظ مرکز آن است. در اکثر تعاریف، مرکز یک گره مهم با تجمع فعالیت‌ها و آمد و شد است؛ درحالی‌که مرکز نماد قدرت سیاسی اجتماع است و مخاطب برای رساندن پیام خود به قدرت حاکم از آن مکان استفاده می‌کند (منصوری ۱۳۹۲؛ Ballard, 2005)؛ لذا می‌توان مهم‌ترین مؤلفه تشخیص آن را شکل‌گیری رویدادهای مردمی دانست که حاکمیت در مدیریت آن نقشی ندارد (مخلص، ۱۳۹۶) و نمی‌توان مرکز را به یک شکل هندسی یا هویت مستقل تاریخی و اقتصادی محدود کرد؛ شکل‌گیری رویدادهای مختلف، حضور عناصر مهم و کارکردی شهر، این نقطه از شهر را به فضایی خاطره‌ای تبدیل می‌کند که تغییر و یا انتقال آن باعث خدشه‌دار شدن خاطره مشترک از شهر می‌شود. در اکثر مواقع دسترسی، کارکرد و معماری فضا، متأثر از تعدد، تراکم و گونه این رویدادها هستند؛ تبیین و تغییرات مرکز تاریخی همدان با این معیارها سنجیده شده است.

مرکز شهر همدان

• مرکز به مثابه تجمع کاربری‌ها

مرکز شهر، مکانی برای کارکردن، تجارت (خرید و فروش) و امور تجاری است و قلب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شهر به شمار می‌رود. «بالارد» معتقد است قرارگیری فضاهای مختلف در مرکز شهر، آن‌ها را در نقطه کلیدی و استراتژیک شهر قرار می‌دهد (Ballard, 2005, 253). مراکز شهری از جمله نمونه فضاهای جغرافیایی است که مرز مشخصی ندارد

(Burrough & Frank, 1996)، هسته اصلی شهر بوده که انبوهی از فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی را دربرمی‌گیرد (Anas, Arnott & Smal, 1998, 1426). «تیرویت» و همکارانش در کتاب «قلب شهر»، بر این باور هستند که مرکز شهر به معنای تمرکز و همگرایی اجتماع و سیستم حمل و نقل عمومی است (Tyrrhitt, Sert & Rogers, 1952).

در این رویکرد مهم‌ترین شاخصه مرکز، فضاهای تجاری کوچک، مرکز اداری و فضاهایی است که شامل ساختمان‌های بلند می‌شود (Thurstain-Goodwin & Unwin, 2000, 307). «مورفی و ونس» مراکز شهرهای انگلستان را شامل فضاهای تجاری، ساختمان‌های اداری و ساختمان‌های بلند می‌دانند که به فضای پیاده‌رو و ماشین رو اهمیت داده و زمین‌های این فضا دارای ارزش بهای زیادی است. (Murphy & Vance, 1954) «تامپسون» و همکاران در مقاله خود معتقد هستند که فضاهای تجاری اعم از پاساژهای بزرگ و خردتجاری‌ها از رکن‌های اصلی مرکز شهر است و عدم وجود اینگونه فضاها، مرکز شهر را از رونق اصلی خود می‌اندازد (Thompson, Benson & McDonagh, 2015). با این رویکرد، امکانات و سرویس‌دهی بیشتر به مناطق پرمترکم مرکز شهر، همچون پیاده‌راه، خیابان، موزه، تئاتر و... که منجر به ارزش‌ترشدن قیمت زمین‌ها می‌شود مورد تأیید است (Bertuad, 2004). بالارد (Ballard, 2005) نیز معتقد است که مرکز شهر همواره کانون قدرت و تجارت بوده و در حال حاضر کانون فراغت، آسودگی و تجارت است.

با معیار مرکز به عنوان تجمع کاربری‌ها می‌توان مرکز همدان را پس از اجرای طرح کارل فریش، قدرتمندتر از گذشته دانست؛ زیرا علاوه بر آن که به واسطه اجرای این طرح به عملکرد بازار خدشه‌ای وارد نشد، بلکه با امکان دسترسی بیشتر به مرکز تاریخی، بر رونق آن افزوده و خدمات بیشتری در قلمرو مرکز تاریخی مستقر شد. با غلبه فعالیت‌های تجاری در بدنه میدان، می‌توان این فضا را قطب اقتصادی همدان دانست. «ورمرزیار» و «سجادزاده» معتقد هستند اصلی‌ترین دلیل ایجاد لکه‌های تجاری در میدان مرکزی شهر، همجواری با بازار بوده که در پی ارتباط بین بازار و میدان است (Varmazyar & sajadzadeh, 2014). اصلی‌ترین نشانه اقتصادی این مرکز، احداث بانک ملی ایران در میدان امام و بانک‌های صادرات و تجارت در خیابان اکباتان (در مجاورت بازار) است (Asadollahi & Zakerhaghghi, 2015). نکته دیگر، ریزدانه‌بودن سایر پلاک‌هاست که نشانه غلبه مالکیت‌های خصوصی و به دنبال آن حضور اقشار عمومی در مرکز است.

اگرچه خیابان‌های نفوذی اکباتان، مجموعه بازار را قطع کرده، اما راسته‌های باقی‌مانده از این تفکیک با تبدیل به صنوف

همچنین در کتاب خود، چهار عامل اصلی فضاهای تجاری، فضاهای اداری، صنعت و اتومبیل را برای تکامل مرکز شهر معرفی می‌کند (Evans, 1997). مرکز شهر، حافظه و قلب زندگی اجتماعی آن است؛ محل فعالیت‌های عمومی و تولد خاطرات جمعی است (مخلص، ۱۳۹۶، ۱۶). مراکز شهر، فضاهای اجتماعی شهر هستند. بنابراین اگر فضاهای جذابی نباشند، حضور مردم در این فضا کم‌رنگ خواهد شد مگر اینکه مجبور به استفاده از آن باشند (Thompson et al., 2015, 232). «پورتاس» نیز یکی از ویژگی‌های مرکز شهر را مکانی برای ملاقات مردم بیان می‌کند (Portas, 2014). در این تعریف، معیار سرزندگی وابسته به حضور و تعامل شهروندان در فضا است.

مرکز تاریخی همدان نیز به سیاق سنت شهرنشینی در ایران از رونق اجتماعی و سرزندگی شهر برخوردار بود. احداث شش خیابان و یک میدان، امکان جدیدی برای دسترسی به مرکز را فراهم آورد، اما اینکه دلایل و انگیزه‌های جدیدی برای حضور داوطلبانه و تعامل شهروندان ایجاد شده باشد وابسته به بررسی و ارزیابی میدانی و نحوه حضور مردم در مکان جدید است. با توجه به حفاظت منظر تاریخی در شرایط قدیم و افزوده شدن جاذبه‌های جدید و کاربری‌های به‌روز در قلمرو آن می‌توان شواهدی بر تقویت مرکز شهر همدان پس از اجرای طرح کارل فریش مشاهده کرد. در عین حال ارزش‌های این مجموعه با ارزش‌های سابق مجموعه (مسجد و بازار) هم‌افزایی داشته و بر «تمرکز» و انطباق توأم آن با ظرفیت‌های پیشین تأکید می‌کند (تصویر ۴).

مرکز به مثابه محل ظهور قدرت

با وجود اینکه همه از وجود مرکز شهر باخبر هستیم، و بعضاً حضور در مرکز شهر را احساس کرده‌ایم، اما معیار کالبدی مشخص برای سنجش و شناخت دقیق مرکز شهر

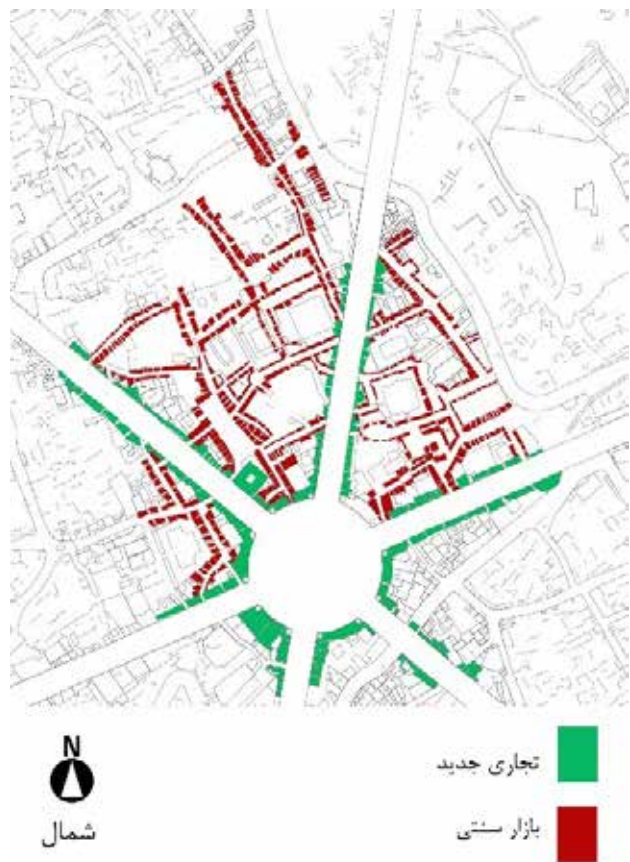


تصویر ۴. فضای سرزنده و اجتماعی در مرکز جدید شهر همدان. عکس: فرشاد بهرامی، ۱۳۹۵.

مستقل مانند راسته کهنه‌فروش‌ها، راسته سرگذر و راسته فرش‌فروش‌ها همچنان فعال هستند. خیابان نفوذی باباطاهر نیز از میان بازار می‌گذرد و راسته شیشه‌فروش‌ها و زرگرها دو صنف جدا شده از هم هستند که همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. وجود فضاهای تجاری در دوسوی خیابان اکباتان و باباطاهر اتصال‌دهنده مجموعه تجاری میدان امام بر بازار است که پس از احداث میدان و خیابان‌های شش‌گانه، و ساخت ایوان شهری مسجد جامع ارتباط بین میدان امام و مرکز قدیمی شهر را برقرار کرده است (تصویر ۳).

مرکز به مثابه فضای سرزنده اجتماعی

در این نگاه، مرکز شهر به فضایی سرزنده اشاره دارد (Carves, 2005, 193)، سرزندگی در مرکز شهر باعث حفظ هویت و معماری آن می‌شود و مرکز شهر سرزنده اصلی‌ترین علت برای رونق و سرزندگی کل شهر است (Collis, Berkeley & Fletcher, 2000; Powe & Hart, 2009). «انواس» معتقد است مرکز شهر، مکانی است که به‌صورت تاریخی زندگی مدنی در آن جریان دارد و مردم در آنجا مشغول به کار کردن، خرید و ارتباط اجتماعی هستند. او



تصویر ۳. اتصال فعالیت‌های تجاری و اقتصادی زبردانه از میدان امام تا بازار. مأخذ: نگارندگان.

کوچک در قالب کمپین‌های اجتماعی مثل «نه به کیسه‌های پلاستیکی» با حضور هنرمندان و مشاهیر شهر، این میدان را تبدیل به فضایی مردمی کرده است (تصویر ۶).

معماری متفاوت

ساختمان‌ها در مرکز شهر، نمادین هستند و می‌توانند در گونه‌های مختلفی از قبیل ساختمان‌های دولتی، ورزشگاه‌ها، موزه‌های مدرن، ساختمان‌های تجاری و اداری نمایان شوند (Caves, 2005). مورفی و ونس معتقدند بالاترین و مرتفع‌ترین ساختمان‌های شهر در مرکز شهر واقع هستند (Murphy & Vance, 1954). علاوه بر آن، تراکم ساختمان‌ها یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی مراکز شهر است (Thurstain-Goodwin & Unwin, 2000).

در مرکز شهر به تدریج کارکردهایی شکل می‌گیرد که معماری اختصاصی آن‌ها وجه نشانه‌ای در منظر شهر دارد. با احداث خیابان‌های نفوذی و میدان جدید، فرصت برای ایجاد معماری‌های نوین که مظهر موج تجددخواهانه و غرب‌گرایی بود، فراهم شد. در نتیجه بناهای جدید در حاشیه خیابان‌های تازه احداث و میدان شهر ساخته شد.



تصویر ۵. نماز ظهر عاشورا در میدان امام همدان خوانده می‌شود. مأخذ: خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵). عکس از: عبدالرحمان رفعتی.



تصویر ۶. تجمع و گردهمایی خودجوش مردم همدان در ۴ مهر ماه سال ۱۳۶۶. مأخذ: <https://ganj.info/slider/slider-jehad/4268>

نمی‌یابیم (Thurstain-Goodwin & Unwin, 2000, 307). مرکز، مهم‌ترین مؤلفه سازمان فضایی است که بخش اصلی ادراک منظر شهری وابسته به آن است و نقش آن طوری بوده که وابستگی عناصر مختلف شهر به آن به راحتی قابل تشخیص است. هسته در ابتدا علاوه بر حافظه تاریخی شهر، محل تجمع فعالیت‌های عمومی است. در قرون وسطی، مرکز هسته اولیه شکل‌گیری و کلیسا نماد آن بوده است؛ در دوره رنسانس با توجه به تقارن و هندسه طرح‌ها، نهادهای حکومتی در مرکز هندسی آن بوده‌اند. در قرن ۱۸، ۱۹ و همزمان با انقلاب صنعتی و عصر روشنگری، شهرداری‌ها نماد مرکز شدند؛ پس از آن در سده بیستم با حضور قدرت‌های سرمایه‌داری، ساختمان‌های بزرگ مثل مراکز تجاری، نماد اقتدار حاکمیت و مرکز بوده‌اند (منصوری، ۱۳۸۶، ۵۱). مرکز به مثابه ظهور قدرت، دیدگاه متفاوتی است که پژوهشگران در خصوص جامعه‌شناسی فضا ارائه کرده‌اند. محلی که بدون تعریف کاربری از سوی حاکمیت، توسط مردم و اجتماعات، دیدارها و بیان مطالبات و نظرات انتخاب شود، کانون قدرت است. این فضا جایی است که انرژی نهفته در آن متبلور می‌شود. بررسی رویدادهای سیاسی و اجتماعی دهه‌های اخیر حاکی از تمرکز اجتماعات در مرکز جدید همدان است: «صبح روز عید نوروز ۵۷، عده زیادی از طلاب و بازاریان در مسجد اجتماع کرده و شعارهایی به طرفدارای از امام خمینی سردادند. در جریان این مراسم یکی از روحانیون دستگیر شد» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ۳۶۲) «روز نوزدهم اردیبهشت ۵۷ مراسم بزرگداشت شهدا در مسجد جامع برگزار شد، روزنامه کیهان خبر داد پس از آنکه اجتماع‌کنندگان در مسجد شعارهای انقلابی سردادند، مأمورین به سوی آن‌ها تیراندازی کردند که یک نفر زخمی شد» (همان، ج ۶، ۲۸۳). «...» در این مراسم محمد تقی عالمی، روحانی سرشناس همدان سخنرانی کرد و میدان پهلوی را میدان امام خمینی نامگذاری کرد» (فندرسکی، ۱۳۵۷). علاوه بر اجتماعات سیاسی، مراسم مذهبی و آئینی نیز در این میدان برگزار می‌شود. از جمله، برگزاری مراسم آئینی و مذهبی همچون ایام محرم و صفر از فعالیت‌های اصلی است که در میدان امام صورت می‌گیرد. برای برگزاری این نوع مراسم، شهروندان از شش خیابان نفوذی اصلی و محلات گوناگون متصل به آن به صورت گروهی حرکت می‌کنند که مقصد نهایی آن میدان امام است (تصویر ۵).

فعالیت‌های اجتماعی همچون تجمع و گردهمایی خودجوش مردم در ۴ مهر ماه سال ۱۳۶۶ برای جمع‌آوری هدایای مردمی به جبهه‌های جنگ و برپایی پایگاه‌های کمیته امداد در میدان مرکزی و مسجد جامع بر اهمیت این میدان در ذهنیت شهروندان تکیه دارد. همچنین برگزاری تجمعات

همچنین موقعیت مناسب جغرافیایی میدان امام نسبت به بازار و مسجد جامع و تقویت نظام حمل و نقل شکل گرفته متکی بر مرکزیت آن‌ها بر اهمیت نقش منظرین این کانون در شهر می‌افزاید (تصویر ۸).

جمع‌بندی و بحث

دو دهه ساخت و سازهای گسترده ناشی از احداث خیابان‌های نفوذی در شهر همدان در دوره پهلوی اول و شکل‌گیری میدان وسیع در تقاطع آن‌ها، کالبد و سیمای شهر را دگرگون کرد. انتظار می‌رفت که با این تظاهر جدید، ساختار سنتی شهر نیز در هم شکند و به واسطه حضور میدان به مثابه مرکز جدید، نقش مسجد جامع و بازار به مثابه مرکز قدیمی را تغییر دهد و یا کمرنگ کند. نقشه شهر روایت‌کننده این تغییرات اساسی در سازمان فضایی است که به تبع آن می‌بایست منظر شهری همدان نیز متحول می‌شد. بررسی معیارهای تشخیص مرکز نشان می‌دهد همجواری میدان امام در مجاورت مسجد جامع و بازار به مثابه مرکز قدیمی شهر همدان، نه تنها به نقش اصلی آن‌ها در شهر خدشه‌ای وارد نکرده، بلکه باعث تقویت آن نیز شده است. بدین صورت که میدان امام و خیابان‌های نفوذی اطراف آن، به خصوص خیابان اکباتان به عرصه‌ای باز برای مرکز قدیمی شهر تبدیل شده‌اند. مرکز امروز شهر همدان پهنه‌ای از میدان امام، خیابان اکباتان، مسجد جامع و بازار است که به صورت یک کل واحد قرائت می‌شود.

طرح کارل فریش به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه، در مرکزیت سازمان فضایی شهر جدید، تغییری ایجاد نکرده است. این نتیجه ممکن است ناشی از شکل زمین و محدوده شهر همدان باشد که توسط سه تپه و دو رودخانه محدود شده است. به عبارتی، کارل فریش طرح پیشنهادی خود را به اجبار هندسه قاطع آن در مکانی خاص قرار داده تا پاسخگوی نظم دستوری پیش‌بینی شده باشد: خیابان «شورین» به عنوان اولین خیابان

معماری ساختمان‌های اطراف میدان مرکزی همدان به سبک باروک است (Varmazyar & Sajadzadeh, 2014, 50). این ساختمان‌ها تزیینات ایرانی دارند، عملکردگرا و آجری هستند و برای منظرپردازی آن به مثابه نقطه عطف، دو گنبد فلزی در هر دو طرف شش خیابان ساخته شده است. طراحی و ساخت ساختمان‌هایی با جداره‌های متفاوت در این میدان، تأکیدی بر مرکزیت آن در مدیریت منظر شهر است (تصویر ۷).

دسترسی

جذابیت یک مرکز شهر به تنوع و راحتی حمل و نقل عمومی مرتبط است؛ به طوری که راحتی می‌تواند پایداری یک شهر را از طریق کاهش استفاده از حمل و نقل خصوصی افزایش دهد (Heath, 2001). به عبارتی، مرکز شهر جایست که دسترسی آسان برای حمل و نقل عمومی فراهم است (Newman & Kenworthy, 1989; Banister, 1992; Newman, 1992; ECOTEC, 1993; Heath, 2001) و علاوه بر سهولت دسترسی، ارزانی این وسایل از ضروریات برای حیات مرکز شهر است (Evans, 1997).

همچنین تلاقی راه‌های مختلف در مرکز شهر از نشانه‌های فیزیکی برای تشخیص آن است. آغاز راه‌های مختلف از مرکز اتصال آن به کانون‌های اصلی پیرامون شهر از ویژگی‌های مرکز است. در نگاه برنامه‌ریزان شهری مرکز جایی است که محل تلاقی راه‌های اصلی شهر باشد (Caves, 2005).

پس از اجرای طرح کارل فریش می‌توان گفت که هندسه مستقیم این شش خیابان نفوذی، اتصال نقاط پیرامونی همدان و ساخت میدانی در محل تلاقی آن‌ها، میدان امام را به مهم‌ترین کانون دسترسی شهری تبدیل کرده است. طرح شعاعی مرکز شهر همدان، این اجازه را به اتومبیل‌ها می‌دهد که تا مرکز شهر حرکت کنند (Varmazyar & Sajadzadeh, 2014, 64).



تصویر ۸. حضور وسایل نقلیه عمومی و خصوصی در مرکز شهر همدان. مأخذ: بنیک، ۱۳۹۵.



تصویر ۷. ساختمان‌های به سبک باروک در میدان امام همدان. عکس از: فرشاد بهرامی، ۱۳۹۵.

باعث ارتقای کیفیت منظر شهری و تغییر آن در بازه‌های مختلف باعث تغییر سازمان فضایی و در نتیجه تغییر خوانش شهر توسط شهروندان می‌شود. در شهر همدان، تأثیر احداث خیابان‌های نفوذی در انتقال مرکز قدیمی به مرکز مدرن کم بوده است، اما نتیجه‌ای پراهمیت در منظر شهری داشته است؛ اگرچه ساختار مدرن شهر با ساختار سنتی آن تفاوت کرده، اما استقرار مرکز و تقویت آن به واسطه حضور عناصر جدید، تداوم کیفیت منظر شهری همدان را در پی داشته است. امروز همدان به شهر دو یا چندقطبی بدل نشده است و جریان‌های مختلف فکری در همین مرکز تاریخی-اجتماعی حضور دارند. این محدوده همچنین نماینده جریان‌های روشنفکری جامعه نیز هست و نشان می‌دهد ذهنیت عمومی جامعه به این مکان اعتقاد دارد؛ همه جریان‌ها تصور دارند که حضور در این مکان به آن‌ها اصالت می‌دهد. ارتقای مرکز مدرن و سنتی همدان در یک کل واحد از میدان امام، مسجد جامع و بازار، باعث رشد و توالی مفهوم منظر به مثابه کلیت شهر شده است.

نفوذی در حد فاصل بین دو تپه باستانی «هگمتانه» و «مصلی» احداث شده و به نوعی در خط‌القع‌ر دو تپه قرار گرفته و امتداد آن یعنی خیابان «شریعتی» در مرز محله‌های «حمام قلعه» و «کولانچ» ساخته شده است. خیابان «بوعلی‌سینا» به موازات رود «الوسجرد» احداث شده و در مرز دو محله قرار می‌گیرد و خیابان اکباتان در امتداد آن از حدفاصل بین مرکز قدیمی و عوارض طبیعی شهر عبور می‌کند؛ دو خیابان باقی‌مانده نیز به تبع حکم زوایای ۶۰ درجه میان طرح از یک مکان اجباری عبور کرده‌اند (تصویر ۹). لذا به نظر می‌رسد نظم دستوری این طرح با قرار گرفتن در بستر طبیعی زمین، منجر به محصولی شده که مرکز جدید شهر با مرکز قدیمی آن منطبق است (تصویر ۱۰).

نتیجه‌گیری

مرکز یک مفهوم کلیدی در منظر شهری است که به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه سازمان فضایی، در کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. حفظ مرکز به مثابه با ارزش‌ترین فضای ادارکی



تصویر ۹. نقشه عناصر طبیعی شهر، خیابان‌های نفوذی و مرکز جدید شهر همدان. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. میدان امام خمینی، مسجد جامع و بازار به مثابه مرکز جدید شهر همدان. مأخذ: https://www.instagram.com/p/_H1nDgSX31/?utm_source=ig_share_sheet&igshid=oy0jys3t8stn

پی‌نوشت‌ها

۱. Lord George Nathaniel Curzon

۲. Hugo Grothe

۳. Percement در زبان فرانسه و Piercing Street در زبان انگلیسی

۴. Gerhard Roodberg

۵. Garena Lor

۶. Estolbakh

۷. Vladimir Charolif

۸. Karl Fristeh

فهرست منابع

- آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار براساس مدارک و شواهد موجود. نامه باستان‌شناس، ۱ (۱)، ۵۷-۸۲.
- صفری، سهیلا؛ شیخ نوری، محمد امیر و شهرام یوسفی. (۱۳۹۳). اعتراض مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول (مطالعه اسناد عرایض مجلس شورای ملی - مجلس ششم تا هشتم تقنیه). تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴ (۱)، ۲۹-۶۰
- فندرسکی، سیدرضا. (۱۳۵۷). *انقلاب اسلامی در همدان. روزنامه اطلاعات: همدان. تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۶*. قابل دسترسی در: <http://22bahman.ir/show.php?page=post&id=15399>
- لسترنج، گی. (۱۳۶۴). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. (ترجمه محمود عرفان). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- مخلص، فرنوش. (۱۳۹۶). *ساختار چند هسته‌ای مدینه‌های مراکش*. هنر و تمدن شرق، ۵ (۱۲)، ۱۵-۲۲.
- منصور، سید امیر. (۱۳۸۶). *دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام*. باغ نظر، ۴ (۷)، ۴۹-۶۰.
- منصور، سید امیر. (۱۳۹۲). *سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران*. هنر و تمدن شرق، ۱ (۱۱)، ۵۱-۶۲.
- منصور، سید امیر و دیزانی، احسان. (۱۳۹۵). *سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین از ابتدا تا دوران معاصر*. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
- مطراق‌چی، نصح. (۱۳۷۹). *در بیان منازل سفرعراقین سلطان سلیمان*. (ترجمه رحیم رئیس‌نیا). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۷۷). *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. جلد سوم. تهران: چاپ اول.

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۴). *منظر خیابان نفوذی؛ تأثیر خیابان‌های نفوذی بر منظر شهری پاریس*. مجله منظر، ۷ (۳۰)، ۵۴-۶۴.
- اذکایی، پرویز. (۱۳۸۰). *همدان نامه، بیست گفتار درباره مادستان*. چاپ اول. همدان: انتشارات نشر مادستان.
- ایزدی، محمد سعید و شریفی، عادل. (۱۳۹۴). *ارزیابی طرح کارل فریش بر پیکره‌بندی ساختار فضایی بافت قدیمی شهر همدان (با استفاده از تکنیک ساخت فضایی)*. باغ نظر، ۱۲ (۳۵)، ۱۵-۲۶.
- بنیک. (۱۳۹۷). *میدان مرکزی همدان نماد شهرسازی مدرن*. تاریخ مراجعه: <http://www.banbak.com/hamedan-imam-square/>
- خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۵). *ظهر عاشورا در همدان*. تاریخ مراجعه: <https://tn.ai/1210802>
- رحیم‌یون، علی‌اصغر. (۱۳۹۵). *در جست‌وجوی هویت شهر همدان*. چاپ اول. وزارت راه و مسکن و شهرسازی.
- زارعی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). *ساختار کالبدی-فضایی شهر همدان از*

- Anas, A.; Arnott, R. & Smal, K. (1998). Urban Spatial Structure. *Journal of Economic Literature*, 36(3), 1426-1464.
- Asadollahi, M. & Zakerhaghighi, K. (2015). Investigation and Analysis of Spatial Structure of Metropolitan Hamedan Using Alen Bertod Model. *WALLA Journal*, 31(2), 67-73.
- Ballard, P. (2005). The Church at the Centre of the City. *The Expository Times*, 116(8), 253-258.
- Banister, D. (1992). Energy Use, Transport and Settlement Patterns. *Sustainable Development and Urban Form*, 5(4), 282-286.
- Bertuad, A. (2004). *The Spatial Organization of Cities: Deliberate Outcome or Unforeseen Consequence?* UC Berkeley: Institute of Urban and Regional Development.
- Burrough, P. A. & Frank, A. U. (1996). *Geographic Objects with Indeterminate Boundaries*. London: Taylor and Francis.
- Caves, R. W. (2005). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Routledge.
- Collis, C; Berkeley, N. & Fletcher D. R. (2000). Retail Decline and Policy Responses in District Shopping Centres. *Town Planning Review*, 71(2), 149-168.
- ECOTEC Research and Consulting Limited. (1993). *Ecotec Research and Consulting Limited*. London: HMSO.
- Evans, R. (1997). *Regenerating Town Centers*. Manchester: Manchester University Press.
- Heath, T. (2001). Revitalizing Cities: Attitudes toward City-Center Living in the United Kingdom. *Journal of Planning Education and Research*, 20(4), 464-475.
- Karami, S.; Fakhrayee, A. & Karami, S. (2015). Studying the Effect of Accessibility and Vitality on Urban Space Efficiency in Iran (Case Study: Hamedan City). *International Journal of Architecture and Urban Development*, 5(1), 33-40.
- Murphy, R. E. & Vancem J. E. (1954). Delimiting the CBD. *Economic Geography*, 30(3), 189-222.
- همتی ازندیانی، اسماعیل و خاکسار، علی. (۱۳۹۲). نگاهی به تپه هگمتانه در بافت شهری همدان در دوره‌های تاریخی و اسلامی. مجموعه مقالات یک روزه باستان‌شناسی هگمتانه (در بزرگداشت استاد دکتر محمدرحیم صراف). تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- Nejad, SE. Ebrahimi, A. (2018). Form worn-out texture to improvement and reconstruction. *Herald National Academy of Managerial Staff of Culture and Arts*, (2)1, 189-196.
- Newman, P. (1992). The Compact City: An Australian Perspective. *Built Environment*, 18(4), 285-300.
- Newman, P. W. G. & Kenworthy, J. R. (1989). Gasoline Consumption and Cities. *Journal of the American Planning Association*, 55(1), 24-37.
- Portas, M. (2014). *Why Our High Streets Still Matter: A Think Piece*. London: Portas Agency.
- Powe, N. & Hart, T. (2009). Competing for the custom of small town residents: exploring the challenges and potential. *International Journal of Retail & Distribution Management*, 37(9), 732-747.
- Thompson, J.; Benson, M. & McDonagh, P. (2015). The Social and Economic Impact of Improving a Town Centre: The Case of Rotherham. *Local Economy* 30(2), 231-348.
- Thurstain-Goodwin. M. & Unwin, D. (2000). Defining and Delineating the Central Areas of Towns for Statistical Monitoring Using Continuous Surface Representations. *Transactions in GIS*, 4(4), 305-317.
- Tyrwhitt, J.; Sert J. L. & Rogers, E. N. (1952). *The Heart of the City: Towards the Humanization of Urban Life*. London: Lund Humphries.
- Varmazyar, M. & Sajadzadeh, H. (2014). The Role of Urban Structure in Pedestrian-Orientation Capability (Case Study: Hamedan City). *Merit Research Journals*, 2(4), 48-64.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

بهرامی، فرشاد و آتشین بار، محمد. (۱۳۹۸). تحولات منظر شهری همدان در دوره پهلوی اول و تأثیر خیابان‌های نفوذی بر مرکز شهر. *باغ نظر*، ۱۶(۸۱)، ۵-۱۴.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.185773.4113
URL: http://www.bagh-sj.com/article_103477.html

